

مقایسه «راهبرد مذاکره» با جریان‌ها و کشورهای غیر همسو از نگاه دو جریان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب

زاهد غفاری هاشجین*
جبار شجاعی**

چکیده

راهبرد مذاکره با کشورها و جریان‌های غیرهمسو با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، طی دو دهه‌ی اخیر به‌صفت بندگی سیاست‌ها و جریان‌های سیاسی در داخل کشور، منجر شده و دو جریان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب را برای تحقق سیاست‌های خود، رویاروی هم قرار داده است. از این رو، سؤال اینجاست که نگرش هر کدام از دو جریان یادشده نسبت به این راهبرد چیست؟. کالبد شکافی ماهیت، اهداف، موانع، منابع قدرت و خصوصیات مذاکره‌کنندگان در این راهبرد به روش توصیفی-تحلیلی، بیان‌گر این است که جریان اصول‌گرا، کشورهای غیرهمسو را در منظومه‌ی ارزشی خود تعریف کرده و معتقد است که این گفتگو، ارزش توقیتی دارد. از سوی دیگر، جریان اصلاح‌طلب، رایزنی دیپلماتیک را نشانی از حیات سیاسی در نظام بین‌الملل یاد کرده و معتقد است که با مذاکره و گفتگو می‌توان دشمنی‌های شکل گرفته را از بین برد.

کلیدواژه‌ها: ج.ا.ایران، اصول‌گرا، اصلاح‌طلب، مذاکره، منافع ملی

۱. مقدمه

روند شناسی تاریخی شکل‌گیری، رشد و گسترش احزاب در جهان و ایران به سبب دامنه‌ی وسیع تنوع در اصول، اهداف، راهبردها و همین‌طور منظومه‌ی عملکردی آنها، نشانگر آن است که همواره سبب سیاست بین دو جریان اصلی در گردش بوده است.

*دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد z_ghafari@yahoo.com

** دانشجوی دکتری مطالعات انقلاب اسلامی - گرایش جامعه‌شناسی سیاسی ج.ا.ایران (نویسنده مسؤل)

Shojaei67@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۷

نمونه‌ی آن را می‌توان در تاریخ ایران و حیات جمهوری اسلامی شاهد باشیم که از گذشته‌های دور تاکنون همین روند حاکم بوده و امروزه هم در قالب دو جریان اصلاح طلب و اصول‌گرا رخ نموده است.

اصطلاح «چپ و راست» که مدتها در جریان‌شناسی ایران بخش معتنا بهی را به خود اختصاص داده بود، از جمله مفاهیمی مبهم، لغزنده و پرفراز و نشیب در تاریخ و ادبیات سیاسی است. اساساً خاستگاه اصطلاحاتی از این قبیل و واژگانی چون چپ روی و راست روی، جناح چپ و جناح راست و ...، انقلاب فرانسه است. در این زمان، دو اصطلاح مزبور، معنا و مفهوم خاص و واضحی داشته است به گونه‌ای که چپ و چپ‌گرایی به معنای انقلابی بودن و حمایت از دگرگونی بود و راست و راست‌گرا بودن، معنای مخالفت با دگرگونی و تغییر را حمل می‌کردند. از این رو بود که جناح راست را کسانی می‌دانستند که در برابر تاخت و تاز انقلاب فرانسه به نهادهای پادشاهی، طرف نظام پادشاهی را گرفته و سعی در نگهداشت آنها می‌کردند (ماله و ایزاک، ۱۳۶۲: ۲۴-۳۸).

این اصطلاح، پس از انقلاب فرانسه، کم‌کم در ادبیات سیاسی غرب رواج یافته و مبنایی برای تقسیم بندی افراد، جناح‌های سیاسی و رژیم‌ها شد. در رهگذر بیش از دو قرن کاربرد، هر کدام از این دو اصطلاح، معنا و مفهوم متفاوتی به خود گرفته و نظام معنایی آنها به قدری فراز و نشیب یافت که تعیین مرزی روشن میان آن دو ناممکن می‌نماید چرا که هر یک از این دو اصطلاح، در معنای گسترده‌ی خود آنقدر گرایشها و گروه‌های مختلف و ناهمسازی را در برمی‌گیرد که جز مبنایی بسیار کلی و مبهم از آنها بر نمی‌آید و در مواردی به سختی می‌توان بین این دو تفکیک قائل شد. (مکلند، ۱۳۹۰: ۷۸).

این دو قطبی، افزون بر لغزندگی معنایی _ مفهومی آن، به نظر می‌رسد که کاربردش برای تشریح و تبیین مرزبندیهای سیاسی ایران، از رسایی لازم برخوردار نبوده و ناروشن است. ولی به هر حال، با تساهل و تسامح در کاربرد آن، می‌توان از دوران مشروطه، رگه‌هایی از ایدئولوژی و جناح‌های چپ و راست را در ایران شاهد بود (مدنی، ۱۳۸۸: ۲۹۷). که پس از انقلاب اسلامی، این اصطلاح کم‌کم در ادبیات سیاسی ایران گسترش پیدا کرد.

در دوره نخست وزیری آقای موسوی، بر تعداد نیروهای به اصطلاح چپ افزوده گشت. در مقابل این جریان که گروه هایی چون روحانیون مبارز و دفتر تحکیم وحدت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در خود جای می داد، جریانی از نیروهای سیاسی به نام جناح راست بودند تا اینکه در دوره ی ریاست جمهوری هاشمی، دو اصطلاح «راست مدرن» و «چپ مدرن» مطرح گشته و چپ مدرن، جریانی نام گرفت که در ایده ها و نظریات سیاسی _ اجتماعی و همینطور فرهنگی خود، به بازنگری پرداختند. در مقابل، جریان راست نیز تغییر و تحولاتی را شاهد بود که نتیجه ی آن، منشعب شدن جریانی از راست گراها بود که گاهی اوقات تحت عنوان راست مدرن یا تکنوکرات «فن سالاران» و یا مصلحت گراها از آنها یاد می شود. این گروه که توسط کارگزاران سازندگی نمایندگی می شد، با گروه های چپ مدرن همکاری و همدلی هایی داشت تا اینکه در انتخابات سال ۱۳۷۶ همگرا شده و اصلاحات سیاسی را سرلوحه نگرش و کنش خود قرار دادند (مرتجی، ۱۳۹۰: ۱۲۳) و دو جریان مزبور از این پس به دو جناح اصلاح طلب و اصول گرا تبدیل شدند.

از زمان شکل گیری این دو جناح تحت چنین عناوینی، روز به روز شکاف بین نگرش های آنها در خصوص مسائل اجتماعی، بیشتر و بیشتر می گشت. این شکاف که در موارد متعددی خود را نشان می داد، امروزه در مباحثی چون همکاری با کشورهای غربی تجلی بیشتری نموده است به گونه ای که یکی از مسائل مهم و مورد بحث و مشاجرات علمی _ سیاسی، موضوع مذاکره با کشورهایی است که با جمهوری اسلامی ایران در هیچ محوری همسو نبوده و بلکه بسیار هم چالش آفرینی می نمایند و با عنایت به اینکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر گفتگوی مسالمت آمیز و مدارا با دشمنان_البته تا جایی که طرف مقابل دست به اقدامات ایدایی نزنند_ مبتنا یافته و رعایت حقوق دیگران را به عنوان اصلی از میانی اسلامی در رفتار سیاسی خود رعایت می کند، طبیعی است که "مذاکره" و "رایزنی دیپلماتیک" جایگاه برجسته ای در سیاست خارجی ج.ا.ایران داشته باشد. از این رو، سؤالی که پژوهش پیش رو تلاش می کند تا در ادامه پاسخ بدان را واکاوی نماید، این است که نگاه این دو جناح به راهبرد مذاکره با کشورهای غیر همسو در نظام بین الملل چیست؟. بدین ترتیب طی سطور آتی تلاش می شود تا با روش تحلیلی _ توصیفی و در قالب اهداف مذاکره، منابع قدرت، موانع مذاکره و خصوصیات که مذاکره کنندگان می بایست دارا باشند، به مقایسه دو رویکرد بپردازیم.

۲. مفاهیم و مبانی نظری مذاکره

۲-۱. مفاهیم

۲-۱-۱. مذاکره

مذاکره را فرآیندی می‌نامند که طی آن، دو طرف مذاکره‌کننده به این نتیجه نائل می‌آیند که آیا آن دو می‌توانند به توافقی که مورد پذیرش هر دو باشد رسید یا خیر (شوئنفلد، ۱۳۸۴: ۱۵).

۲-۱-۲. راهبرد

واژه استراتژی «Strategy» یا راهبرد، به معنای طرحی عملیاتی است که برای هماهنگی و سازماندهی اقدامات برای دستیابی به یک هدف به کار برده می‌شود (غفاریان، ۱۳۹۳: ۱۸).

۲-۱-۳. جریان اصول‌گرا

جریان اصول‌گرایی، جریانی است که به طور مشخص از اوائل دولت هفتم و به دنباله ی حضور سیاسی فعال جناح اصلاح طلب شکل گرفت و ضمن تأکید جدی بر ولایت مداری و پیروی تام و تمام از ولی فقیه، توجه به ارزش‌ها و اصول اسلامی و انقلابی و محور قرار دادن قرآن در تصمیم‌ها، عدالت محوری و رفع تبعیض و توزیع عادلانه ی منابع کشور و پایه ریزی اقتصادی عدالت محور را سرلوحه کار خود عنوان می‌دارد (کاکه جانی، ۱۳۹۳: ۵۶).

۲-۱-۴. جریان اصلاح طلب

جناح اصلاح طلبی، جریانی نام دارد که معتقد است انجام تغییر و پیشرفت در ابعاد مختلف جامعه، از طریق اصلاحات در قوانین و سیاست‌ها و نه اصول انقلاب شکل می‌گیرد. این جریان که در خود گروه‌های بسیاری را دارد، گاهی اوقات خواهان همگونگی مدنیت و دینداری هستند و در این میان، برخی افراد داخل در این طیف، بر طبل لائسیسم می‌نوازند از این رو، می‌توان گفت که نگرش اصلاح طلبی، هر دو سر طیف را شامل می‌شود (ظریفی نیا، ۱۳۸۷: ۳۸).

۲-۱-۵. جریان‌ها و کشورهای غیرهمسو

همراه بودن یا نبودن کشور یا جریان‌هایی در یک کشور یا فراتر از مرزهای جغرافیایی و سیاسی آن، می‌تواند فرصت یا چالش‌های سیاسی و امنیتی بسیاری بیآفریند. از این رو، معمولاً کشورهای مختلف، دیگر کشورها یا جریان‌ها را براساس همراه بودن یا نبودن با سیاست‌های خود در عرصه‌ی جهانی، به همسو و غیرهمسو تقسیم‌بندی می‌نمایند. در این پژوهش هم، مقصود از غیرهمسویی، کشورهایی است که در دایره‌ی استکبار جهانی قرار گرفته و گاهی افزون بر همراهی با دشمنان جمهوری اسلامی ایران، به عملیات ایدایی نیز دست می‌یازند.

۲-۲. مبانی و چارچوب نظری مذاکره

۲-۲-۱. ماهیت مذاکره

مذاکره فرآیندی است که طی آن، طرف‌های ذی‌نفع، به حل اختلاف‌های فی‌مابین، توافق بر انجام یکسری اقدام‌ها، چانه‌زنی در خصوص منافع فردی یا جمعی و کوشش برای ایجاد نتایجی که برای هر دو طرف سودآور باشد، اقدام می‌ورزند. معمولاً چنین روشی به عنوان شیوه‌ای جایگزین در حل اختلافات طرفین درگیر، مورد عنایت قرار می‌گیرد. در این راستا مهمترین خصوصیت یک مذاکره، وجود دو طرف یا طرف‌های مذاکره می‌باشد، که در دارای هدف مشترک و در عین حال، مهم و در نگاه خود ارزشمندی هستند که البته ممکن است در رابطه با هدف یادشده، اختلاف نظرهایی هم داشته باشند. در این ارتباط، هدف از رایزنی و تبادل آراء این است که هر دو طرف در خصوص اختلاف‌ها به سازش و مصالحه نائل آیند. خروجی این مذاکرات ممکن است که برای هر دو طرف مذاکره رضایتبخش باشد. این درحالی است که در صورت بن بست مذاکرات در نیل به توافقی دسته‌جمعی، به این معنی نیست که دیگر فرصت‌ها برای انجام مذاکراتی در آینده از بین رفته است. البته باید یادآور شد که مذاکره با «نفوذ» و «تصمیمات گروهی» متفاوت می‌باشد.

از سوی دیگر، مذاکره در هر سطح و عرصه‌ای که باشد، طرف‌های مذاکره بنا به عادت اقدام به مذاکره بر روی مواضع خود می‌نمایند. در همین زمینه، هر یکی از طرف‌های مذاکره برای خود موضعی دارد و جهت رسیدن به سازش، امتیازاتی می‌دهد. اساساً هر روش مذاکره را می‌توان با سه معیار مورد قضاوت قرار داد:

۱. در صورت امکان، این روش می‌بایست به یک موافقت معقول منتهی گردد.

ب. روش یادشده لازم است که کارآمد و اثرگذار باشد.
ت. بهتر است که روابط طرفین را بهبود بخشد یا حداقل اینکه به رابطه‌ی آن دو خللی وارد نیاورد (فیشر و یوری، ۱۳۷۵: ۲۳-۴۲).
بر این اساس، می‌توان موافقت معقول را موافقتی تعریف نمود که منافع حقه‌ی هر یک از طرفین را تا حد امکان تأمین نماید، منافع متضاد را به شکل منصفانه‌ای در هم تلفیق کرده و پایدار باشد و همچنین توجه لازم را به منافع جامعه داشته باشد.

۲-۲-۲. اهداف مذاکره

۲-۲-۲-۱. اهداف ماهوی مذاکره

بقای کشور و سیاستی که هر دولتی در این راستا از سر می‌گیرد، ابزارهای مبارزه با دغدغه‌هایی است که قصد تهدید آن را دارند. از این رو، یک کشور به قیمت دیگر منافع و با استفاده از تمامی ابزارها و منابع خود، استقلال خودش را مورد حمایت قرار داده و از آن دفاع می‌کند. اساساً یک ملت و دولت با تمام توان خود می‌کوشد از بقای کشور خود که شرط نیل به اهداف و تحقق منافع است، دفاع کند. دیگر منافع مثل امنیت، رفاه و همینطور آرامش داخلی برخی از منافع اصلی و حیاتی است که یک کشور برای نگهداشت آنها حاضر است که برخی از منافع کم‌اهمیت خود را فدا کند. بر این اساس است که مذاکره به عنوان راه حل مشکلات بین کشورها، از جایگاه مهمی در حیات سیاسی داخلی و نظام بین‌المللی آن کشور برخوردار است. و از آن جایی که خروج از مسیر مذاکره یعنی درگیری در عرصه‌ی نظامی، تبعات سنگینی برای هر دو طرف به بار می‌آورد، کشورها تلاش می‌کنند تا اهداف خود را در قالب مذاکرات پیگیری کنند (دلورپور اقدم، ۱۳۸۹: ۶۳).

۲-۲-۲-۲. اهداف راهبردی مذاکره

یکی از مهمترین و اساسی‌ترین محورهای هر مذاکره، نوع هدفی است که هر کدام از طرفین مذاکره، برای ریزنی‌های خود احصاء نموده‌اند. به گونه‌ای که نگرش راهبردی هر طرف به مذاکره، می‌تواند روند پیشرفت مذاکره را با مشکل روبرو سازد یا که نوعی اشتراک‌گفتمانی را بین طرفین شکل دهد. به هر حال، مذاکره در هر سطحی که باشد، می‌تواند سه هدف و رهیافت حمایتی، برد-برد و یا تعریف اهداف و راهبرد مذاکراتی بر مبنای هیجانانگیز شکل گرفته در آن برهه را داشته باشد.

الف. رهیافت حمایتی؛

در این رهیافت، یک فرد مذاکره کننده که از قدرت و توان بالایی در امر مذاکره برخوردار است، معمولاً به عنوان طرفدار یک طرف مذاکره می باشد و می کوشد تا بهترین نتیجه ممکن را برای طرف خود رقم بزند. در این فرآیند، فرد مذاکره کنند سعی می کند تا حداقل منافع را برای طرف مقابل خود تعریف نماید و آن را به پذیرش آنها متقاعد سازد و در پایان براساس این قالب، خواسته های خود را تعدیل نماید. طبق این رهیافت، مذاکره ی موفق، هنگامی روی خواهد داد که فرد مذاکره کننده بتواند تمام یا بیشتر منفعی را که در نظر داشته است، تأمین کند، بدون اینکه رقیب یا طرف مقابل خود را از عرصه ی رایزنی و مذاکره خارج سازد.

ب. «رهیافت» برد _ برد مذاکره کننده

یکی از پژوهشگران به نام مری پارکر فولت، در نیمه سده ی بیستم، این دیدگاه که توافق غالباً زمانی حاصل می آید که دو طرف مذاکره نه بر مواضع اعلامی خود، بلکه بر منافع اساسی خودشان تأکید نمایند. در این نگاه، هر فردی که پیروز می شود، این موضوع را که تمامی اطراف مذاکره از این فرآیند سود می برند، مورد تأکید قرار می دهد.

در حقیقت، روش مذاکره اصولی، بر این موضوع تأکید می دارد هر جا که ممکن بود، می بایست به دنبال منافع متقابل رفت و هر آن جایی که منافع دو طرف در تضاد قرار می گیرند، می بایست راهی را جستجو کرد که حاصل مذاکره بین دو طرف، بر نوعی معیار و میزان منصفانه و مستقل از اراده و خواست هر کدام از طرفین باشد (آقایی، ۱۳۹۳: ۱۹۵).

ج. مذاکره بر مبنای هیجانات

در این رهیافت، به نقش و اثرگذاری هیجانات بر فرآیند مذاکرات پرداخته و چگونگی بهره گیری از هیجانات به صورتی که بتواند بر روند مذاکره اثرگذار باشد، مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. در همین راستا و با عنایت به اینکه هیجانات اجتماعی غالباً یا از سوی مردم شکل می گیرد یا عکس العمل مردم را به دنبال خواهد داشت، نوع واکنش مردم نیز مهم می باشد (همان، ۱۹۶).

۲-۲-۳. منابع قدرت چانه‌زنی در مذاکره

مذاکره، فرآیندی می باشد که در آن، هدف اصلی مذاکره کنندگان، رسیدن پیام به طرف مقابل و اعمال نفوذ بر همدیگر است. از این روست که قدرت در مذاکره، به نوع منبع قدرت و چانه زنی بستگی دارد. برخی بر این باورند که تنها قدرت فیزیکی است که توانایی نفوذ بر دیگری را دارد و در نتیجه، قدرت فیزیکی، قدرت مذاکره است. دیگرانی معتقدند که بهترین راه برای از سر گیری یک مذاکره، اتخاذ موضعی افراطی است. در همین راستا، برخی حمایت و طرفداری مردم خود و قدرت بالای اقتصادی و توانمندی نظامی و یا زیادی جمعیت را مبنای قدرت و چانه زنی قرار می دهند. افزون بر این، نگاه دیگر بر این است که بی طرفی، اعتماد به نفس و نیکنامی، می تواند توانایی اعمال نفوذ بر دیگری را افزایش دهد. ناگفته نماند که ممکن است فقر و نداری هم گاهی اوقات، به عنوان منبع و اهرم فشاری باشد که علیه یک دولت به کار گرفته می شود. به هر حال، منبع قدرت و چانه زنی، یکی از مهمترین محورهای مذاکره است که می تواند روند مذاکرات را به سود یا ضرر یکی از طرفین تغییر دهد (فیشر و یوری، ۱۳۷۵: ۵۹).

۲-۳-۱. خصوصیات مذاکره کننده

امروزه یکی از مهمترین نقش های اثرگذار در روند مذاکرات، نقشی است که فرد مذاکره کننده بازی می کند. این فرد که نوع واکنش خود را بر مبنای سیره ی شخصی و مرام گروهی _ حزبی اش انجام می دهد، مجموعه صفات، تخصص ها و مهارتهایی دارد که در نگاه هر کشور، گروه یا جریان سیاسی، متفاوت می باشند.

۲-۳-۲. موانع مذاکره

در درگیری هایی که بین دو طرف مذاکره روی می دهد، بهترین و اولین اقدام این است که ریشه های این تضادها به عنوان منبع درگیری، رفع گردد. از آن جایی که این تضادها، مانع پیشبرد مذاکره می شوند، آنها را موانع مذاکره می نامیم. گاهی اوقات، طرفین درگیری، همدیگر را به رسمیت نشناخته و حاضر به مذاکره رو در رو نمی شوند. گاهی اوقات هم ممکن است که هر دو طرف، آمادگی انجام مذاکره را نداشته باشند یا اینکه افکار عمومی جامعه، اجازه ی انجام مذاکره را به یک کشور نمی دهد.

۲-۲-۳. مدل مفهومی راهبرد مذاکره



۳. ماهیت راهبرد مذاکره در نگاه دو جناح اصول گرا و اصلاح طلب

در خصوص ماهیت مذاکره در نگاه دو جریان اصول گرا و اصلاح طلب، می توان گفت که علی رغم نوعی همبستگی بین جریان اصول گرا در بحث مذاکره با کشورهای غیرهمسو، به نظر می رسد که جریان اصلاح طلب، از نوعی تشنّت نگرشی در این رابطه رنج می برد. به گونه ای که ما شاهد طیفی از نگرشها در خصوص مذاکره با کشورهای غیرهمسو و یا دشمنان نظام هستیم. شاید هم علت این باشد که امروزه تمامی گروه هایی که خود را غیراصول گرا می خوانند، ذیل جریان اصلاح طلبی تعریف نموده و با حمایت خود از نیروهای اصلاح طلب، چارچوب نگرشی آنها را می پذیرند که طبیعی است در سلک اصلاح طلبان قرار خواهند گرفت. بدین ترتیب، در خصوص ماهیت مذاکره در نگاه این دو جریان، به نظر می رسد که نگاه جریان اصول گرا در مقایسه با جریان اصلاح طلب، انسجام بیشتری داشته باشد.

۳-۱. ماهیت مذاکره در نگاه جناح اصول گرا

به نظر می رسد جریان اصول گرا، مذاکرات خود را در بسته ای از منظومه ی ارزشی تعریف نموده و اساساً ارزشهای دینی و گفتمان انقلاب اسلامی را به مثابه خطوط قرمز

خود تعریف می‌کنند. در این نگاه، مذاکره با کشورهایی که با ج.ا. ایران همسو نیستند و از دشمنی هم استنکاف نمی‌ورزند، می‌بایست در قالب مذاکره با یک دشمن صورت گیرد و نیروهای مذاکره‌کننده می‌بایست این را بدانند که هم اکنون با کسانی در حال مذاکره هستند که نه تنها خیر و خوبی او و کشورش را نمی‌خواهند که اتفاقاً تمام تلاش خود را خواهند کرد که از این مذاکره کمال بهره را برای ضربه زدن به نظام ارزشی و توانمندی نظام ببرند در همین راستا شاهدیم که برخی از نیروهای جریان اصول‌گرا، کشورهای یادشده را به عنوان کسانی که نظام توحیدی را درک نمی‌کنند و تلاش دارند تا با آن مبارزه کنند، نامیده و مذاکره با آنها را تاکتیکی بیش نمی‌دانند.^۱

در مورد دیگری آیت الله مصباح یزدی ضمن اشاره به همین دیدگاه، می‌گویند: «... استاد دانشگاهی حدود ۱۰، ۱۵ سال پیش به بنده می‌گفت ما چاره‌ای نداریم برای اینکه از علم و تکنولوژی پیشرفته استفاده کنیم باید با آمریکا بسازیم. بنده به وی گفتم سازش با آمریکا با چه قیمتی باید باشد؛ آیا آمریکا جز تا زمانی که دست از انقلاب برداریم راضی می‌شود؛ فرضاً آن‌ها پیشرفت می‌کنند و فاصله علمی بیشتر می‌شود اما با چه قیمتی؟ انقلاب را اگر می‌خواهیم باید با همه شرایطش بسازیم».^۲

همین نوع نگاه را می‌توان در رویکرد این جریان در "اقدام" یا "عدم اقدام" به مذاکره با کشور آمریکا شاهد باشیم. به گونه‌ای که اصول‌گراها بر خلاف اصلاح‌طلبان که "قبیحی ارزشی" برای مذاکره با این کشور قائل نیستند، لیکن جریان اصول‌گرا، مذاکره با این کشور را با توجه به سابقه‌ی دشمنی‌های بی‌دلیل آن، اقدامی ضد ارزش دانسته و به مثابه افول از اصول به شمار می‌آورد.

۲-۳. ماهیت مذاکره در نگاه جناح اصلاح طلب

جریان اصلاح طلب که تأکید می‌دارد با گفتگو و مذاکره می‌توان تمامی مشکلات و موانع پیش رو و مابین خود و دشمنان را برطرف کرد، مذاکره را فرآیندی می‌داند که می‌توان در چارچوب آن، راجع به تمامی مباحث سیاسی به گفتگو نشست و در همین راستا قادر خواهیم بود با هر کشوری و راجع به هر موضوعی، پای میز مذاکره بنشینیم. برای نمونه می‌توان به دیدار و رایزنی محمدخاتمی با «ریچارد فرای» و «الگا دیویدسن» اشاره نمود که در شهریور ماه ۱۳۸۵ صورت گرفت، اشاره نمود.^۳

رویکرد دیگری که در نگاه اصلاح طلبها مشهود است، جلب اعتماد طرف مقابل است. در این روند، مهم نیست که طرف مقابل شما چه کسی یا چه دولتی باشد، بلکه مهم

این است که اعتماد آن را در حدی مطلوب جلب کنی. در همین راستا، شاهدیم که در مذاکرات هسته ای پاریس و به سال ۱۳۸۳، دولت وقت به شکل داوطلبانه و برای همین اعتمادسازی، کلیه اقدامات متعلق به غنی سازی و بازآوری مثل تولید، نصب، ساخت، آزمایش، سرهم بندی و راه اندازی سانتریفیوژهای گازی و تمامی فعالیت هایی که به جداسازی پلوتونیم مربوط می گردد، را متوقف ساخت.^۴ اگرچه ممکن است در بادی امر چنین رویکردی به دیدگاه عقلانی مورگنتا نزدیک باشد لیکن عدم اعتنا به نوع رفتار طرف مقابل و موضع سیاسی آن در برابر شما، موجب می گردد که مجریان این سیاست را از دیدگاه یادشده دور سازد.

۴. اهداف مذاکره در نگاه دو جناح اصول گرا و اصلاح طلب

۴-۱. اهداف مذاکره در نگاه جناح اصول گرا

۴-۱-۱. اهداف ماهوی

جریان اصول گرا که در عرصه ی سیاسی تلاش می کند تا دشمنان خود را با خط کش حق و باطل ارزیابی کند، در صورتی که یک کشوری همواره قصد ضربه زدن به انقلاب و اسلام را داشته باشد، کشوری غیرقابل اعتماد شمرده و اساساً مذاکره و رایزنی با چنین دولتمردانی را بی ثمر به شمار می آورد. از آن جایی که امروزه کشورهای غیرهمسو در زیر بیرق آمریکا معنی و مفهوم پیدا می کنند یا به نوعی پیرو این کشور هستند، این جریان، مذاکره با چنین کشورهایی را روندی می داند که طرف مقابل تمایل چندانی به پیروزی ج.ا.ایران در این مذاکرات و کسب منافع از سوی آن نیست به گونه ای که می توان گفت جریان مذکور، مذاکره خود با طرف مقابل را بر اساس "هنجارمندی" در سیاست خارجی دنبال می کند. بر این اساس، می توان اهداف کلی مذاکره با چنین کشورهایی در نگاه این جریان را اینگونه برشمرد:

۴-۱-۱-۱. بازی در نظام بین الملل «ارزش توقیتی دارد».

در نگاه جریان اصول گرا، مذاکره با کشورهای غیرهمسو، نمی تواند ارزش و جایگاه اصولی و مبنایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی داشته باشد بلکه از سرگیری چنین اقدامی، برای تحقق بازی در نظام بین الملل است و آلا نمی توان ارزش پایه ای برای آن در نظر گرفت. بر این اساس، می توان گفت که مذاکره در دیدگاه رهبران و

گروه‌های متعلق به این جریان، امری است توقیتی و زمان مند. در همین راستا شاهدیم که آقای صادق آملی لاریجانی بیان می‌دارد که: «شاید به نظر برسد نگاه توحیدی که یک بحث نظری و ایمانی است، با اقتصاد مقاومتی متفاوت است؛ اما این نگاه در همه شئون فردی و اجتماعی ما تاثیر فراگیر و عمیقی دارد و زندگی فردی و اجتماعی ما را دگرگون می‌کند. البته این مهم شرط و شروطی دارد و باید نگاه توحیدی را با همان عمق قرآنی بپذیریم».

۴-۱-۱-۲. کنترل ستم‌گری طرف مقابل

یکی دیگر از اهدافی که در نگاه اصول‌گراها به عنوان هدفی از اهداف مذاکره با کشورهای غیرهمسو به شمار می‌رود، کنترل ستم‌گری و اقدامات ایدایی این کشورها علیه ایران و محور مقاومت است به گونه‌ای که رهبران و نیروهای این جریان، رفتن پای میز مذاکره را بهترین راهکار پیش از شکل‌گیری جنگ و نزاع بین دو طرف می‌دانند از سوی دیگر، آنها بر این باورند که ما نیز می‌توانیم در مذاکرات خود با این کشورها، اشتباهات و اقدامات مداخله‌جویانه‌ی آنها را گوشزد نموده و از این طریق، مانع از سرگیری و عمق‌یابی این اقدامات از سوی آنها شویم.

برای نمونه، در جریان مشکلاتی که کشورهای غربی - اروپایی در بحث حقوق بشر برای ایران شکل داده‌اند، رئیس‌کنونی دستگاه قضا خطاب به ستاد حقوق بشر و وزارت امور خارجه و شورای عالی امنیت ملی اظهار داشت "ما هم نسبت به اروپا بحث داریم. باید در نحوه رفتارشان با بشریت از آنها و در مورد این اسلام‌هراسی سوال داریم. در رابطه با این کشف حجاب اجباری در مدارس و دانشگاه‌ها در کشور فرانسه سوال داریم" ^۶.

۴-۱-۱-۳. تحقق بی‌اعتمادی و بدبینی به آمریکا

جریان اصول‌گرایی در ایران، کشور آمریکا را به خاطر سابقه‌ی تلخی که از خود در اذهان ایرانی‌ها شکل داده است و دخالت‌هایش به درازای کودتای ۲۸ مرداد تا کشتن زنان و کودکان بی‌گناه در خلیج فارس می‌باشد، بی‌اعتماد دانسته و معتقد است که رایزنی با کشورهای که چنین پیشینه‌ای را دارند، ثمره‌ای جز دست‌یافتن به همین بی‌اعتمادی به همراه نخواهد داشت از این رو، آنها اظهار می‌دارند که مذاکره با این کشور و کشورهای دیگری که در تمامی دخالت‌های سالیان گذشته و حال، او را همراهی

نمودند، نمی تواند مفید واقع گردد جز اینکه کسانی که به این بی اعتمادی ایمان ندارند، به چنین رویگری باورمند خواهند شد. در همین راستا، آقای حداد عادل اظهار می دارد: «آمریکا بداند مذاکره کردن ایران از سر عجز نیست به معنی فراموش کردن جنایت های آمریکا در ایران نیست و به این معنی نیست که ملت ایران به آمریکا اعتماد کرده است و نشست با ۱+۵ بر سر میز مذاکره به این معنا نیست که ملت ایران اجازه دهد دوباره آمریکایی ها به این کشور رسول خدا برگردند»^۷.

۴-۱-۱-۴. دفاع از مظلوم

دفاع از مظلومین و ستمدیدگان که یارای مبارزه و مناقشه با زورمندان جهان را نداشته و از قدرت هرچند محدودی برای جلوگیری از آنها برخوردار نیستند، محور دیگری است که در نگاه اصول گراها به عنوان هدفی از اهداف مذاکره با کشورهای غیرهمسو تعریف می گردد. این جریان، بر این باور است که می توانند از طریق رایزنی دیپلماتیک با کشورهایی که هم اکنون در حال حمله به کشورها و مردم مظلوم سرزمین های دیگر هستند، مانع تجاوز بیش از حد این کشورها و آوارگی بیش از پیش سرزمین های هدف شوند.^۸

۴-۱-۱-۵. تأمین منافع و تحقق آرمانها

در نگاه اصول گراها مذاکره با طرفی که هم سنخ و همراه با سیاست های جمهوری اسلامی ایران نیست و گاهی اوقات، ممانعت هایی در سر راه ایران شکل می دهد، با راهبرد تأمین منافع با حفظ آرمانها و تلاش برای تحقق هرچه بهتر و بیشتر این منافع و اجرای آرمانها شکل می گیرد و اصلاً هدف از مذاکره با چنین کشورهایی همین امر می باشد.

۴-۱-۲. اهداف راهبردی

جریان اصول گرا، مذاکره با چنین کشورهایی را نوعی بازی سیاسی می داند که دشمن در صدد است تا هرطور شده است، منافع خودش را با ضربه زدن به طرف مقابل، کسب کند. از این رو، می بایست در مقابل زیاده خواهی های آنها ایستاد و اجازه نداد که به امیال خود دست یابند. بنابراین در این نگاه، مذاکره کنندگان ج.ا.ایران می بایست اجازه زیاده خواهی به دشمن را نداده و تمام تلاش خود را برای کسب قابل قبول ترین نتیجه

داشته باشند. در این زمینه سعید جلیلی، در پاسخ به سؤالی مبنی بر آینده‌ی مذاکرات هسته‌ای، بیان می‌کند که: «دفاع ما از حقوق هسته‌ای، دفاع از همه حقوق ملت است. اگر زمانی از خرمشهر دفاع می‌کردیم، فقط دفاع از خرمشهر نبود، بلکه دفاع از سرخس و همه شهرهای ایران هم بود. اگر دشمن می‌توانست خرمشهر را بگیرد، به دنبال آن سایر شهرهای کشور هم در معرض تهدید قرار می‌گرفتند و بالعکس، وقتی توانستیم آن تودهنی را به آنها بزنیم و خرمشهر را آزاد کنیم، آنها را برای همیشه ناامید و کشور را بیمه کردیم تا دیگر نتوانند با تعرض نظامی، خدای ناکرده بخشی از خاک کشور را به یغما ببرند»^۹.

۲-۴. اهداف مذاکره در نگاه جناح اصلاح طلب

۱-۲-۴. اهداف ماهوی

۱-۱-۲-۴. رفاه

رفاه و احساس آرامش مالی و اطمینان از زندگی خود، یکی از مباحث اصلی و اصولی جریان اصلاح طلب در مذاکرات خود با کشورهای غیرهمسوست به گونه‌ای که رهبران این جریان بر این باورند که مذاکره با کشورهای به اصطلاح قدرتمند جهان، می‌تواند کشور را در عرصه‌های مختلف مالی و رفاهی کمک کرده و مردم هم، به سطحی از آرامش مالی نائل شوند. در همین راستا می‌بینیم که رئیس‌جمهور کنونی که هم در دوران اصلاحات، مسئولیت مذاکره با کشورهای غربی را برعهده داشته و هم امروز مورد حمایت اصلاح طلبان قرار داشته، بیان می‌کند که اگر طرف مقابل زیاده‌خواهی نکند، انشاءالله راهمان را برای رفاه عمومی، رونق اقتصادی و پیروزی در مذاکرات ادامه خواهیم داد و به نتایج مثبتی خواهیم رسید^{۱۰}.

۲-۱-۲-۴. کسب آراء «نگرش انتخاباتی»

یکی از رویکردهایی که جریان اصلاح طلب به ویژه در مذاکرات سال‌های اخیر از خود نشان داده است، نگاه انتخاباتی داشتن به چگونگی مذاکره و تأثیر و تأثر متقابل آن دو است. در همین راستا، شاهدیم که گاهی اوقات برخی از اعضای مذاکره‌کننده‌ی هسته‌ای، خطاب به طرف غربی بیان می‌داشتند که در صورت شکست خوردن مذاکرات، حزب طرفدار آنها در انتخابات پیش رو شکست خواهد خورد. از سوی

دیگر، این گروه بر این باورند که نوع کنش سیاسی مردم در انتخابات، و برگزیدن فرد یا جبهه سیاسی خاصی، روند و پیشرفت مذاکرات را تحت تأثیر قرار خواهد داد^{۱۱}.

۴-۲-۱-۳. تفاهم

در نگاه جریان اصلاح طلب، یکی از اساسی ترین مشکلات جمهوری اسلامی ایران در عرصه ی بین المللی، عدم توانایی سیاستمداران و مسئولین مربوطه در گفتگو و ایجاد تفاهم با کشورهای دیگر است. از این رو، می بایست تلاش کرد تا از طریق مذاکره و رایزنی، با این کشورها وارد تفاهم شد چرا که از دریچه تفاهم، بهتر می توان به منافع خود دست یافت و نه تهاجم. شاید بتوان این گونه رفتار سیاسی را با نظریه ی هم گرایی منطقه ای سازگار دید اما تطبیق کامل آن، میسر نمی نماید چرا که هم گرایی منطقه ای باید بر مبنای اولویت سیاست منطقه ای در عرصه ی سیاست خارجی شکل گرفته و به ایجاد منطقه ای آمن به عنوان خروجی سیاست خارجی طرفین، شکل دهد.

۴-۲-۲. اهداف راهبردی

مذاکراتی که طی آن هر دو طرف مذاکره به خواسته های خود از مذاکره و گفتگو دست یابند را مذاکره ی برد / برد نام می نهند. بر خلاف نگرش اصول گراها که رسیدن غربی ها به خواسته های خود را به مثابه ضربه زدن به نظام شمرده و تحقق چنین امری را اقدامی منفی ارزیابی می نمایند، جریان اصلاح طلب بر این باور است که بهترین حالت توافق بین ایران با این کشورها، حالتی است که طی آن، هر دو به خواسته های خود دست یابند.

۵. منابع «قدرت» چانه زنی از نگاه دو جریان اصول گرا و اصلاح طلب

۵-۱. منابع «قدرت» چانه زنی در مذاکره از نگاه جناح اصول گرا

۵-۱-۱. دفاع مقدس و جنگ تحمیلی

یکی از مفاهیمی که همواره مورد تأکید نیروهای جریان اصول گرا به عنوان قدرت و توان چانه زنی در رایزنی های دیپلماتیک با دیگر کشورها بوده است، تجربه ی دفاع مقدس و جنگ تحمیلی است. در همین راستا، یکی از فرماندهان ارشد سپاه می گوید

: «ایثار، فداکاری و ایستادگی رزمندگان اسلام در دوران دفاع مقدس پشتوانه ای قوی برای نظام اسلامی در عرصه بین‌المللی و مذاکرات هسته ای است»^{۱۲}.

۵-۱-۲. اقتصاد مقاومتی و مدیریت جهادی

در نگاه رهبران ارشد اصول‌گرا، اقتصاد مقاومتی و کار و تلاش جهادی در کشور و رسیدن به سطح مطلوبی از توانمندی و انضباط مالی _ اداری، می‌تواند قدرت چانه زنی مذاکره‌کنندگان با کشورهای دیگر را ارتقا بخشد و محور مانور سیاسی آنها گردد. از این روست که آیت‌الله صفایی بوشهری، همین قدرت اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی و مدیریت جهادی از سوی انسانهایی توحیدی و با نگرش متعالی را بهترین منبع قدرت برای رویارویی با کشورهای غیرهمسو و مقابله با تهاجم آنها می‌داند.^{۱۳}

۵-۱-۳. توانمندی نظامی

قدرت نظامی و توانمندی موشکی جمهوری اسلامی ایران یکی از محورهای قدرت است که امروزه محل بحث و منازعه جناح‌های سیاسی قرار گرفته و هر کدام تلاش می‌کند تا ارتباط این دو موضوع را نسبت به هم تبیین یا رد کند. در این راستا، جریان اصول‌گرا که تلاش می‌کند قدرت نظامی ایران را منبع قدرتی برای چانه‌زنی با حریف تعریف کند، عنوان می‌دارد که اساساً این توانایی بالای نظامی کشور است که غربی‌ها و آمریکا را پای میز مذاکره کشانده است.^{۱۴}

۵-۱-۴. ایستادگی و روحیه مقاومت

ایستادگی و مقاومت به عنوان کلیدواژه حیات سیاسی جریان اصول‌گرا، همواره دلیلی برای از سرگیری مواضع خود در عرصه‌های مختلف سیاسی است. رهبران این جریان، بر این باورند که آنچه موجب شده است تا دشمن و کشورهایی که با انقلاب اسلامی ایران همسو نیستند، پای میز مذاکره نشسته و با ما به گفتگو پردازند، ایستادگی ما و مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌های آنهاست. برای نمونه، آقای اعرافی در خطبه‌های نماز جمعه قم یادآور شدند که ضروری است تا تیم مذاکره‌کننده، مقاومت و ایستادگی مردم را الگو و منبعی برای قدرت چانه‌زنی خود قرار دهند.^{۱۵}

۵-۲. منابع «قدرت» چانه زنی در مذاکره از نگاه جناح اصلاح طلب

۵-۲-۱. انتخابات

جناح اصلاح طلب بر این باور است که در صورت پیروزی در توافقات و مذاکرات با کشورهای دیگر، می توان در نزدیک ترین انتخابات، پیروز میدان شویم. از این رو، همواره در تلاشند تا این موضوع را به رقیب خود یادآور شوند که در صورت شکست این گفتگو، ممکن است رقیبی بر سر کار آید که تعاملی به تعامل با غرب و آمریکا ندارد.

۵-۲-۲. اقتدار اقتصادی

اقتدار اقتصادی که می تواند در قالب واردات و صادرات هر دو محقق گردد، محوری است که جریان اصلاح طلب آن را به عنوان یکی از مهمترین منابع قدرت در چانه زنی دیپلماتیک مطرح می سازد به گونه ای که در نگاه این جریان، هرچه توانمندی اقتصادی بالاتر باشد، بهتر می توان طرف مقابل خود را به پذیرش دیدگاه جمهوری اسلامی ایران قانع کرد. محمد نهاوندیان در این باره اظهار می دارد که: «پیام اقتدار در عرصه ی اقتصادی، موجب خواهد شد که قدرت مذاکره کنندگان در رایزنی های دیپلماتیک خود بالاتر رود»^{۱۶}.

۵-۲-۳. حمایت مردم

جریان اصلاح طلب که همیشه خود را سخنگوی مردم نامیده و تلاش می کردند تا برای شکست رقبای خود یا رویارویی با برنامه های آنها، خلأهایی را که با زندگی مردم در ارتباط است، مرکز اهتمام و برنامه ریزی خود قرار دهند، در عرصه ی مذاکره و رایزنی دیپلماتیک هم بر همین امر تأکید می دارند که مذاکره کنندگان نمایندگان مردم هستند و این حمایت مردم است که به نمایندگان ملت قدرت چانه زنی می دهد^{۱۷}.

۵-۲-۴. انعطاف پذیری

انعطاف و پذیرش طرف مقابل به عنوان قدرتی که یارای اثرگذاری بر معادلات جهانی را دارد، یکی دیگر از منابعی است که جریان اصلاح طلب سعی می کند تا آن را به عنوان ویژگی مثبت خود در رایزنی و مذاکره با طرف مقابل عنوان کند. در همین راستا شاهدیم که محمدجواد ظریف در دانشگاه تهران، قدرت نظامی آمریکا را مثال زدنی می

نامد و یا ۳۱ حزب اصلاح طلب طی نامه ای به اوباما، از او می خواهند که برای حل مشکلات بین دو کشور اقدامی کند.

۶. خصوصیات مذاکره‌کننده از نگاه دو جریان اصول‌گرا و اصلاح طلب

۶-۱. خصوصیات مذاکره‌کننده در نگاه جناح اصول‌گرا

جریان اصول‌گرا بر این باور است که خصوصیات یک مذاکره‌کننده ی مطلوب، اینگونه می باشد:

۶-۱-۱. شجاعت

یکی از محورهای مورد تأکید نیروهای اصول‌گرا، شجاعت و بی باکی است که موجب می شود طرف مقابل هم، جایگاه و ارزش شما را بهتر بفهمد. آیت الله قهری طی دیدار خود با طلاب حامی سعید جلیلی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، یکی از ویژگی های جلیلی به عنوان مذاکره‌کننده ی ایران در روند مذاکره با کشورهای غربی را شجاعت شناخته که معتقد است، این شجاعت می باشد به ایران عزت بخشید^{۱۸}.

۶-۱-۲. صداقت

صداقت در روند مذاکره با طرف مقابل، محور مهمی است که نیروهای اصول‌گرا به عنوان یکی از مشخصات فرد مذاکره‌کننده بر آن تأکید می کنند. ناگفته نماند که جریان یادشده، صداقت مذکور را هم در تعامل با داخل و هم در تعامل طرف مقابل هر دو می دانند به گونه ای که اساساً شفافیت در مذاکرات را نشانه ای بر صداقت خود می شمردند^{۱۹}.

۶-۱-۳. بصیرت

داشتن بصیرت کافی مذاکره‌کنندگانی که در میز مذاکره با آمریکا روبرو می شوند، محوری است که از سوی نیروهای اصول‌گرا به عنوان شاخصی برای ارزیابی مذاکره‌کننده برتر به کار می برند. این گروه معتقدند که آمریکا به دنبال نفوذ و براندازی است و به هنگام رویارویی با آن در میز مذاکره، باید از بصیرت کافی برخوردار بود^{۲۰}.

۶-۱-۴. دشمن شناسی

دشمن شناسی و شناخت اقدامات خصمانه ی آن، به عنوان یکی از شاخصه های اصلی اظهارات جریان اصول‌گرایی، مبنایی بوده است برای نقد و بررسی دیدگاه موافق

مذاکره با جریان‌ها و کشورهای غیر همسو. این جناح که کشورهای غربی و به طور مشخص آمریکا را از جمله کشورهایی می‌داند که اقدامات خصمانه علیه ایران دارند، بیان می‌کند که مذاکره و رایزنی دیپلماتیک با چنین کشورهایی می‌بایست با شناخت خصومت و دشمنی آنها صورت گیرد تا بتوان به دستاوری ملی دست یافت و منافع نظام را محقق نمود.^{۲۱}

۶-۱-۵. ولایت مدار

تبعیت از بیانات مقام معظم رهبری در خطوط قرمز نظام در رایزنی‌های دیپلماتیک و دشمن‌شناسی، معیاری است که مبنای سنجش نیروهای مطلوب رایزنی‌های دیپلماتیک در نگاه جریان اصول‌گرا، می‌باشد. ولایت‌مداری که در نگاه این جناح می‌بایست تبعیت مطلق باشد، در رایزنی‌های دیپلماتیک با کشورهای غیرهمسو، به اندازه‌ای مهم است که اساساً ولایت و تبعیت از آن، رکن‌رکین مذاکرات نامیده می‌شود.^{۲۲}

۶-۱-۶. اعتقاد به ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران

باور به توانمندی‌ها و پتانسیل‌های نظام در عرصه‌های مختلف دفاعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی^{۲۳}، در نگاه جناح اصول‌گرا سبب خواهد شد تا از تهدید طرف مقابل خود در مذاکرات ترسی نداشته و بر منافع ملی کشور و تحقق هرچه بهتر آن، بیشتر و بهتر پافشاری صورت گیرد.

۶-۲. خصوصیات مذاکره‌کننده در نگاه جناح اصلاح‌طلب

در نگاه جریان اصلاح‌طلب، یک مذاکره‌کننده‌ی خوب، می‌بایست از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

۶-۲-۱. فردی با قابلیت انعطاف بالا

داشتن انعطاف در چانه‌زنی، با نقد رقبای خود از سوی اصلاح‌طلب‌ها اینگونه عنوان می‌گردد که تیم‌های قبلی اعتقادی به نرمش در سیاست نداشته و حاضر نبودند که از منافع کشور کوتاه بیایند در حالی که در مذاکرات دیپلماتیک ضروری است که منافع خود را با خوانشی جدید، تعدیل کنیم و از برخی جنبه‌های غیرحیاتی آن_ در صورت ضرورت_ کوتاه بیایم.

۶-۲-۲. حفظ احترام طرف مقابل و رعایت متانت و ادب

رعایت شخصیت و جایگاه سیاسی فردی که نماینده‌ی کشور دیگری در روند رایزنی‌های سیاسی است، در نگاه جناح اصلاح طلب، می‌بایست در تمامی ابعاد رعایت شده و در نظر گرفته شود. از این رو، این جریان معتقد است که اگر در مذاکره با برخی کشورهای خاص چون آمریکا، نماینده‌ی ایران، به نماینده‌ی کشور یادشده دست داد، این نشانه‌ی ادب است و اینکه به طرف مقابل خود، احترام گذاشته است.

۶-۲-۳. بردباری و خویشتن‌داری در برابر سخنان و رفتار طرف مقابل

نداشتن صبر و بردباری در برابر خواسته‌ها یا زیاده‌خواهی‌های طرف مقابل مذاکرات، در نگاه جریان اصلاح طلب، سبب می‌گردد که نماینده ایران نتواند از منافع خود به خوبی دفاع کند. از این رو، ضروری است تا با رعایت اصل خویشتن‌داری، ثمره‌ی خود را از این مذاکرات بدست آورد. ناگفته نماند که این خویشتن‌داری در نگاه برخی نیروهای این جناح، می‌بایست بین مردم، مسئولین و فضای عمومی کشور باشد تا بتوان رایزنی‌های موفقیت‌آمیزی داشته باشیم.^{۲۴}

۶-۲-۴. داشتن انصاف و احترام به منافع مشروع رقیب

یکی از اصولی که هر مذاکره‌کننده می‌بایست داشته باشد، احترام به منافع مشروع طرف مقابل است که در نگاه جناح اصلاح طلب ایران، مهم این است که تیم رایزنی، به این موضوع که طرف مقابل خود یکسری منافع دارد و مطلوبش، تحقق آنهاست، واقف باشد. همچنین در نگاه نیروهای این جریان، می‌بایست انصاف را در روند مذاکرات رعایت کرد و به طرف مقابل هم اجازه داد که تا جای ممکن، به منافع خود برسد.^{۲۵}

۶-۲-۵. آگاهی کامل نسبت به موضوع مورد مذاکره و اشراف به تمامی جوانب آن

تخصص و شناخت موضوع مذاکره، در نگاه جریان اصلاح طلب هم در رشته‌ی تخصصی مذاکره‌کنندگان رخ می‌نماید و هم در خاص تخصص مورد مذاکره. طوریکه این جریان همواره درجه دانشگاهی و تجربه‌ی کار در این حوزه را یکی از دلایل موفقیت تیم رایزنی خود یاد می‌کند. همچنین این گروه، آگاهی از قوانین بین‌المللی را لازمه‌ی رایزنی و گفتگوی دیپلماتیک بیان می‌دارند.

۷. موانع مذاکره از نگاه دو جریان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب

۷-۱. موانع مذاکره از نگاه جناح اصول‌گرا

۷-۱-۱. اقدامات برخی کشورهای منطقه « کشورهای حاشیه خلیج فارس »

جناح اصول‌گرا، نه تنها رایزنی دیپلماتیک با کشورهای حاشیه خلیج فارس را بی‌ثمره شمرده و از اساس به علت عدم مشروعیت برخی از این کشورها، حاضر به برقراری مذاکره دیپلماتیک جدی با آنها نیست، که معتقد است یکی از دلایل ناموفق بودن مذاکرات ایران با دیگر کشورها، کارشکنی‌هایی است که این کشورها علیه ایران انجام می‌دهند.

۷-۱-۲. کارشکنی‌های داخلی

اصول‌گراها می‌گویند که به هنگام رایزنی این جریان به عنوان نماینده کشور در عرصه دیپلماتیک و نظام بین‌الملل، همیشه گروه یا جریانی در داخل کشور هست که به علت تعامل با کشورهای رقیب و طرف مذاکره، مانع ثمربخش بودن چنین همکاری‌هایی می‌شوند.

۷-۱-۳. لابی صهیونیسم

این گروه بیان می‌دارد که لابی صهیونیسم در کشورهای غربی و به‌طور مشخص آمریکا، اجازه همکاری دو طرف در رسیدن به منافع طرفین را نمی‌دهد. این اثرگذاری را از آن رو می‌توان دید که نماینده‌ی آمریکا، در مذاکرات مستقیم یا غیرمستقیم خود با ایران، بر امنیت این رژیم تأکید می‌کند (ایزدی، ۱۳۹۳) که این، نشان از اثرگذاری مواضع صهیونیست‌ها در رایزنی‌های دیپلماتیک دارد.^{۳۶}

۷-۱-۴. زیاده‌خواهی طرف مقابل

زیاده‌خواهی غربی‌ها در مذاکرات دیپلماتیک خود با ایران، سبب می‌شود که نتوان از خیلی مواضع خود کوتاه آمد چرا که چنین اقدامی موجب می‌گردد که طرف مقابل، بر اندیشه خود، اصرار بیشتری ورزیده و بیشتر از حد معمول، جلو رود. این دلیل است که جریان اصول‌گرا همواره به عنوان انگیزه‌ای برای عدم نرمش خود در مذاکرات یاد می‌کند و بیان می‌دارد که این زیاده‌خواهی تا اثرگذاری بر بنیان دفاعی کشور هم

رسیده است و نشان می‌دهد که در صورت کوتاه آمدن طرف ایرانی، به این حد هم قانع نمی‌شوند.^{۲۷}

۷-۲. موانع مذاکره از نگاه جناح اصلاح طلب

۷-۲-۱. تضاد با غرب به مثابه ابزاری برای کنترل سیاست داخلی در ایران

جریان اصلاح طلب بر این باور است که نگرش برخی در خصوص مقابله با غرب و به اصطلاح غرب ستیزی، بهانه‌ای است برای مدیریت در عرصه‌ی سیاست داخلی. این گروه معتقد است که تضاد با غرب و اقداماتی در این راستا، سبب شده است که کشورهای غربی به ایران هراسی پرداخته و تمام تلاش خود را برای انزوای ایران داشته باشند. این جناح می‌گوید که تأکید بیش از حد بر غرب ستیزی سبب شده است تا آنها در مقابل ما صف کشند و نتوانیم در عرصه‌ی دیپلماتیک به نتیجه‌ای برسیم.

۷-۲-۲. سیاست‌های منطقه‌ای ایران

سیاست‌های ایران در منطقه خاورمیانه که سال‌های اخیر جدی‌تر هم شده است، یکی از مهمترین محورهایی است که در نگاه بسیاری از سیاستمداران اصلاح طلب ضرورت نداشته و اصرار بر چنین امری سبب شده که نتوانیم در عرصه‌ی دیپلماسی و مذاکره با کشورهای اثرگذار در نظام بین‌الملل که به طور مشخص در اروپا و آمریکا تعریف جدی می‌یابد، موفقیت به خصوصی کسب کنیم.^{۲۸}

۷-۲-۳. ایران هراسی

ایران هراسی غرب از سوی کشورهای غربی - اروپایی، به عنوان مانعی اثرگذار در روند مذاکره با کشورهای غیرهمسو، یکی دیگر از مواردی است که روند نتیجه بخشی مذاکرات را با مشکل روبرو ساخته است. در همین راستا، شاهدیم که برخی از نیروهای این جریان، از دولت کنونی می‌خواستند که تمام تلاش خود را برای زوال ایران هراسی به کار گیرد.^{۲۹}

۷-۲-۴. سیاست داخلی ایران در قبال مخالفین

سیاست داخلی ایران در برابر عناصر مخالف و اپوزیسیون نظام، موجب گشته است تا نارضایتی داخلی عمق یافته و اثر مخرب خود را بر روند مذاکرات بگذارد. جناح اصلاح طلب بر این باور است که اقداماتی چون حصر سران فتنه، بستن فضای سیاسی

برای برخی نیروهای جریان اصلاح طلب و مسئولین پیشین و مواردی از این قبیل، سبب شده است تا کشورهای غربی، علیه ما در مواردی چون حقوق بشر موضع بگیرند و در روند مذاکرات به عنوان نکته ای منفی و مخالف دموکراسی از آن یاد کرده و به ایران امتیاز ندهند.

۷-۲-۵. عدم تخصص مذاکره کنندگان

نداشتن تخصص در موضوعات مورد مذاکره، یکی از محورهایی است که جریان اصلاح طلب به عنوان مانعی بر سر راه تحقق هرچه بهتر مذاکرات یاد می کند. برای نمونه، در خصوص مورد مذاکرات هسته ای و تخصص تیم مورد نظر خود را عاملی برای عدم پذیرش طرف مقابل خود بیان می کنند.

۸. مقایسه و نتیجه گیری

دو جریان اصول گرا و اصلاح طلب که هر کدام اصول و شاخص های رفتاری خاص خود را دارند، در طول حیات سیاسی خود، در عرصه ی تعامل یا تقابل با کشورهای غیرهمسو، نگرش های متفاوتی از خود بروز دادند. از این رو، پرسش از چیستی و چگونگی راهبرد مذاکره در نگاه این دو جریان، سؤالی است که پژوهش یادشده با روش توصیفی _ تحلیلی گام در تبیین پاسخ آن نهاده است.

واکاوی سیاست های هر کدام از دو جریان یادشده در ابعاد مختلف راهبرد مذاکره، بیانگر این است؛

● ماهیت مذاکره

در خصوص ماهیت و چیستی مذاکره، اگرچه هر دو جریان، چنین راهبردی را مسیری برای نیل به منافع کشور و یا در سطوح پایین تر حزب و گروه خود به شمار می آورند ولی جریان اصول گرا، مذاکره با کشورهای غیرهمسو را در منظومه ی ارزشی انقلاب اسلامی و چارچوب های دینی تعریف می کند لذا رایزنی با این کشورها را به نوعی از سر اضطرار می داند. در حالی که جناح اصلاح طلب راهبرد مذاکره را در نظام بین الملل تعریف کرده و بر این باور است که تمامی کشورها در نظام بین الملل دارای حقند و می توانند از طریق گفتگو به منافع خود دست یابند.

● اهداف مذاکره

- اصول گرا

از آن جایی که جریان اصول گرا کشورهای غیرهمسو با سیاست های ایران را به مثابه استکبار به شمار می آورد و معتقد است که این کشورها سیاست خود را ضربه زدن به ایران و سیاست های کشور در تمامی عرصه ها می داند، راهبرد حمایتی را در عرصه ی مذاکره پی می گیرد. از سوی دیگر، معتقد است که گفتگوی دیپلماتیک با این کشورها، علاوه بر اینکه ارزش موقت دارد، می تواند مسیر ستم گری و ظلم آنها بر دیگران را سد کند و ضمن تأمین منافع خود، بی اعتمادی به آنها را محقق سازد.

- اصلاح طلب

در همین رابطه، جناح اصلاح طلب که مذاکره سیاسی با کشورهای دیگر را نوعی بازی برد/ برد تعریف می کند، هدف از چنین گفتگویی را رفع تحریم های این کشورها و به دنبال آن رفاه و تقلیل سطح دشمنی آنها برشمرده و در مسیر نیل به نوعی تفاهم سیاسی، می توان جایگاه سیاسی خود در داخل را هم مستحکم کرد.

● منابع قدرت چانه زنی

- اصول گرا

منابع قدرت چانه زنی در مذاکره با کشورهای غیرهمسو از نگاه جریان اصول گرا، شامل قدرت و توانمندی نظامی ایران و روحیه ی بالای ایستادگی و مقاومت مردم که در جنگ تحمیلی به منصفه ی ظهور رسید، می باشد و در همین راستا، استقلال سیاسی ایران در تمامی ابعاد خود در کنار تأکید بر اقتصاد مقاومتی و تلاش جهادگونه در عرصه ی مدیریتی را بهترین منبع قدرت در رویارویی با طرف مقابل عنوان می کند.

- جریان اصلاح طلب

این جریان که معتقد است برای رسیدن به منافع طرفین، می بایست کمی از منافع خود کوتاه بیایم، اقتدار اقتصادی که در تعامل با کشورهای بین المللی محقق می گردد_ در کنار حمایت مردم و انعطاف سیاسی در رایزنی های خود با این کشورها را منبعی

می داند که می تواند قدرت چانه زنی مذاکره کنندگان را بالا ببرد. ناگفته نماند که این جریان در گفتگوهای دیپلماتیک خود، تلاش می کند تا تحولات انتخاباتی هر برهه را به مثابه اهرم فشاری برای مذاکره با طرف مقابل قرار دهد.

● موانع مذاکره

- اصول گرا

جریان اصول گرا بر این باور است که اقدامات ایذایی کشورهای حاشیه خلیج فارس و دیگر کشورهایی که پیشرفت ایران را سدی در مسیر خود می دانند، ایران هراسی کشورهای غربی - اروپایی، زیاده خواهی های برخی از این کشورها در رایزنی های دیپلماتیک در کنار کارشکنی های برخی جریان های سیاسی داخل کشور، سبب می گردد تا مذاکرات سیاسی با این کشورها به نتیجه نرسد.

- اصلاح طلب

جریان اصلاح طلب هم معتقد است که ایران هراسی کشورهای غربی - عربی، سیاست منطقه ای کشور، غرب ستیزی و نداشتن ارتباط قوی با کشورهای مؤثر در نظام بین الملل و نوع سیاست داخلی در قبال نیروهای مخالف داخل کشور و همچنین عدم تخصص نیروهای مذاکره کننده، سبب شده است تا نتوانیم در مذاکرات سیاسی خود با کشورهای غیرهمسو به نتایج مطلوبی دست پیدا کنیم.

● خصوصیات مذاکره کننده

- اصول گرا

جناح اصول گرا که ولایت فقیه را پایه ی حیات سیاسی خود برمی شمرد، معتقد است که مذاکره کنندگان ایران می بایست تبعیت تام و مطلق از ولی فقیه داشته و ضمن داشتن بصیرت کافی نسبت به دشمنان نظام و انقلاب، شجاعت، صداقت و روحیه ی نقد پذیری بالایی داشته باشند تا از این طریق بهتر بتوانند با کار گروهی و تشکیلاتی خود، نتایج مطلوبی را کسب کنند.

- اصلاح طلب

جریان اصلاح طلب هم که همواره بر انعطاف پذیری در عرصه ی سیاسی تأکید می دارد، معتقد است که باور به منطق گفتگو و گفتگو در چارچوب منطق نظام بین الملل، احترام به منافع مشروع و جایگاه طرف مقابل و در همین راستا، رعایت ادب در رایزنی با آنها در صورتی که با آگاهی و اشراف علمی نسبت به موضوع مورد مذاکره و

توانمندی در صحبت به زبان انگلیسی همراه شود، می‌تواند مذاکرکننده را به خواسته های کشور نائل آورد. طوری که گاهاً همین رویکرد را در برابر کشورهای چوَن آمریکا که تغییر نظام سیاسی در ایران را از مهمترین اولویت های خود به شمار می‌آورند، دارند.

پی‌نوشت

۱. <http://www.irinn.ir/news/174271>. اجلاس سالانه بسیج اساتید در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۹ / مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۲
۲. <http://www.irna.ir/qom/fa/News/81627195>. / دیدار دیدار با جمعی از برگزیدگان و نخبگان سپاه الغدير و دانشجویان دانشگاه آزاد بافق یزد. در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۸ / مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۲
۳. <http://www.yjc.ir/fa/news/4388232>. / مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۲
۴. <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/01/20/290749>. / مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۲
۵. <http://www.bartarinha.ir/fa/news/379254>. / اجلاس سالانه بسیج اساتید، شهریور ۱۳۹۵
۶. <http://www.isna.ir/news/95050107720>. / آیت‌الله صادق آملی لاریجانی طی سخنانی در مراسم بزرگداشت روز حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی که در سالن همایش‌های صدا و سیما برگزار شد / ۱۳۹۵/۵/۱۳.
۷. <http://www.tabnak.ir/fa/news/376845>. // ۱۳۹۲
۸. <http://kheybaronline.ir/fa/news/45503>. : سعید جلیلی در دانشگاه ارومیه: // ۱۳۹۴/۱/۲۹
۹. <http://ramzeobour.ir>. / مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۴
۱۰. <http://www.bornanews.ir>. / در اجتماع مردم تبریز و در ورزشگاه تختی این شهر / مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۳
۱۱. <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/350077>. / مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۳
۱۲. <http://www.khouznews.ir/fa/news/88224>. یادواره سردار شهید مجید اسماعیلی در دذفول، اردیبهشت ۱۳۹۴ / مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۱۴
۱۳. <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/01/30/1051669>. در دیدار مسئولان و جمعی از اعضای سازمان بسیج مهندسان استان بوشهر به تاریخ ۱۳۹۵/۱/۳۰
۱۴. <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/01/30/715975>. سخنرانی نماینده اراک در آیین بزرگداشت و تجلیل از شهیدان هسته‌ای در دانشگاه صنعتی قم و به تاریخ ۱۳۹۴/۱/۳۰

زاهد غفاری هاشجین و جبار شجاعی ۴۷

۱۵. <http://sccr.ir/Pages/?current=news&gid=15&Sel=931189> سخنرانی در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱۷ // مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۴
۱۶. <http://www.yjc.ir/fa/news/4943299> در گفتگوی ویژه خبری مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۱، مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۴
۱۷. <http://www.bultannews.com/fa/news/275458> در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۴ // مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۴
۱۸. <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/02/31/60916> آیت الله قرهی در دیدار با اعضای ستاد حوزویان حامی جلیلی / مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۵
۱۹. <http://www.yjc.ir/fa/news/5112676> / به گفتگوی آقای بروجردی با رئیس کمیسیون امنیت مجلس گرجستان در تاریخ ۵ بهمن ماه ۱۳۹۳ مراجعه شود.
۲۰. <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/03/18/1098697> اظهارات آیت الله صفایی بوشهری، امام جمعه بوشهر در همایش نقش روحانیت و حوزه های انقلابی در مقابله با نفوذ در بوشهر // مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۵
۲۱. <http://www.mehrnews.com/news/3686699> مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۵
۲۲. <http://neda-chenaran.ir/?p=3147> مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۵
۲۳. <http://www7.ima.ir/fa/News/81130620> / اظهارات سعید جلیلی در جمع خبرنگاران و به تاریخ ۱۳۹۳/۱/۳۰ // مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۵
۲۴. <http://www8.irna.ir/fa/News/80920603> مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۵
۲۵. <http://aftabnews.ir/fa/news/318508> اظهارات صادق زیباکلام // مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۵
۲۶. <http://www.dscc.ir/View/article.aspx?id=4208> مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۶
۲۷. <http://meraatenews.com/content> مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۶
۲۸. <http://www.avajam.ir/2013-08-19-20-24-10> / مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۶
۲۹. <http://reforms.ir/fa/news/1968> مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۶

منابع

قرآن کریم

ایزدی، جهانبخش و خلفی فرزاد (۱۳۹۰). راهبردهای تحقق تعامل مؤثر و سازنده ایران در نظام بین الملل «بر پایه سند چشم انداز»؛ برگرفته از آدرس اینترنتی:

http://www.rahnaameh.ir/article_194_87ecd5dc813b735bb5d4f651bc3be7c8.pdf

ایزدی، فؤاد (۱۳۹۳). نقش لابی صهیونیسم در مذاکرات؛ برگرفته از سایت:

<http://hamshahrionline.ir/details/279271/Opinions/internationalviewpionts>

- بشیریه، حسین (۱۳۹۴). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم: لیبرالیسم و محافظه‌کاری، تهران: نشر نی
- دلاورپور، اقدم مصطفی (۱۳۸۹). امنیت نرم و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- ظریفی نیا، حمیدرضا (۱۳۸۷). کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران: ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸، تهران: آزادی اندیشه
- غفاریان، وفا (۱۳۹۳). استراتژی: نمایی ۳۶۰ درجه / اصول برنامه ریزی استراتژیک، تهران: سازمان مدیریت صنعتی
- فیشر، راجر و یوری، ویلیام (۱۳۷۵). اصول و فنون مذاکره، ترجمه مسعود حیدری، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی
- کاکه جانی، عباس (۱۳۹۳). جریان‌شناسی اصول‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ماله، آلبر و ایزاک، ژول (۱۳۶۲). انقلاب کبیر فرانسه و امپراتوری ناپلئون، ترجمه رشید یاسمی، تهران: سپهر
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۸۸). تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی مرتجی، حجت (۱۳۹۰). جناح‌بندی‌های سیاسی در ایران، تهران: نقش و نگار
- مکلند، جان (۱۳۹۰). تاریخ اندیشه سیاسی غرب، ترجمه جهانگیر معینی علمداری، تهران: نشر نی